

## اما و اگرهای تاسیس مدارس دخترانه در ایران

۱۳ فروردین ۱۳۹۵ ساعت ۱۱:۵۶

پس از انقلاب مشروطیت گفتگوهایی بین نمایندگان صورت گرفت. پاره ای از آنان چون ناظم الاسلام از تأسیس مدارس دخترانه حمایت نمودند و گفتند: «در تربیت بنات و دوشیزگان وطن بکوشیم و به آنها لباس علم و هنر بپوشیم، چه تا دخترها عالم نشوند، پسرها بخوبی تربیت نخواهند شد»

تا بعد از مشروطیت مدرسه‌ای برای دختران ایجاد نشد، به عوام چنین تلقین می‌شد که درس خواندن برای دختران لازم و جایز و پسندیده نیست و شاید شرط عفت را در زندگی کنج خانه نشستن و نداشتن سواد می‌دانستند. ثانیاً عامه مردم نظر خوبی به تحصیل در مدارس جدید نداشتند و هر زمان که می‌توانستند محصلین و معلمین را مورد آزار یا سخریه و توهین قرار می‌دادند. تازه این امر دربارهٔ پسران و مردان بود و دختران وضع دشوارتری داشتند. بنابراین تحصیل دختران در خانواده‌هایی که به با سواد شدن دختران خود علاقمند بودند، به وسیله «معلم سرخانه» انجام می‌شد. ۱

تاسیس مدارس دخترانه در ایران توسط هر گروهی که انجام می‌گرفت با مخالفت‌های زیادی روبرو می‌گردید. بعضی از علما آن را خلاف شرع اسلام می‌دانستند و بعضی می‌گفتند وای به حال مملکتی که در آن مدرسهٔ دخترانه تأسیس شود. ۲

پس از انقلاب مشروطیت گفتگوهایی بین نمایندگان صورت گرفت. پاره ای از آنان چون ناظم الاسلام از تأسیس مدارس دخترانه حمایت نمودند و گفتند: «در تربیت بنات و دوشیزگان وطن بکوشیم و به آنها لباس علم و هنر بپوشیم، چه تا دخترها عالم نشوند، پسرها بخوبی تربیت نخواهند شد». ۳ در جواب وی میرزا سید محمدصادق رئیس مدرسهٔ اسلام گفت: «چیزی که مانع احداث مدرسه دخترانه است نبودن اداره نظمیه و نداشتن پلیس مرتب است. فرضاً که حجه الاسلام منع معاندین را بردارند، با جوانان جاهل و اشخاص عذب و بی لجام چه کنیم؟ باید نخست اداره پلیس و نظمیه را مرتب کنیم، تا در موقع لزوم از دختران حمایت کنند و دیگر آنکه معلم مردانه نمی‌توان برای دختران آورد. پس باید به فکر معلم زنانه باشیم». ۴

با تمام دشواری‌ها، پس از بالا رفتن سطح آگاهی‌های جامعه و احساس ضرورت ایجاد مدارس دخترانه، ۵ بانوان آزاداندیش و دلسوز ایرانی دست به کار شدند و در همان زمانی که نمایندگان به بحث و جدل پایان ناپذیر درباره چگونگی ایجاد این مدارس پرداخته بودند، به تأسیس اولین مدارس دخترانهٔ ایران اقدام نمودند. این اقدامات در حالی صورت گرفت که اوضاع ایران بسیار منقلب بود و به هر گونه نوگرایی در جامعه با دیده شک و تردید نگریسته می‌شد. بازار تکفیر و افترا بسیار گرم بود. و کهنه پرستان از هیچ اقدامی حتی خطر جانی و هتک آبرو و حیثیت این بانوان آزاداندیش فروگذاری نمی‌کردند.

مدرسه دوشیزگان

نخستین بار در سال ۱۳۲۴ هـ ق مدرسه‌ای به نام مدرسهٔ دوشیزگان توسط بانو بی بی خانم وزیراف، برای دختران گشایش

یافت. اما اقدام جسورانه وی با مخالفت بسیاری روبرو گشت به طوری که پاره ای از مخالفان تصمیم به ویران کردن مدرسه گرفتند. سر چارلز مایرلینگ سفیر کبیر وقت انگلستان در نامه ای که به ادوارد گری می نویسد درباره این مدرسه می گوید: مسیو دوهارتویک پیش از ظهر امروز داستان جالبی برایم گفت و آن اینکه همسر یکی از غلامان ما الهام بخش یک انجمن زنان است که مخصوصاً ماهیت زیانبخش دارد. واقعیت مطلب این است که زن مزبور (بی بی خانم) در طبقه خود بر خلاف معمول زنی است که خوب تحصیل کرده و سه ماه است که یک مدرسه دخترانه تشکیل داده و دختران اشخاص خیلی محترم در آن درس می خوانند. ۶

در طی فشارهای بی رویه مخالفان مدرسه دوشیزگان، بی بی خانم به وزارت معارف شکایت نمود. اما در جواب به وی گفته شد که صلاح در این است که مدرسه تعطیل شود. سرانجام، با وجود ایستادگی بی بی خانم در برابر مشکلات، مدرسه دوشیزگان تعطیل شد. بعد از جریان به توپ بستن مجلس شورای ملی، بی بی خانم پیش صنیع الدوله (وزیر معارف) رفت. این بار تقاضای وی پذیرفته شد، مشروطه بر اینکه فقط دختران بین ۴ تا ۶ سال در مدرسه تحصیل نمایند و کلمه دوشیزه نیز از تابلوی مدرسه حذف شود. ۷

مدرسه ناموس

این مدرسه در سال ۱۳۲۶ هـ ق توسط خانم طوبی آزموده در خیابان فرمانفرما، نزدیک چهار راه حسن آباد تأسیس شد. وی که فرزند میرزا حسن خان سرتیپ بود در سال ۱۳۰۳ هـ ق متولد شد و در چهارده سالگی به عقد عبدالحسین میرپنج که مرد دانشمندی بود درآمد. وی مدتی به تحصیل در زبانهای عربی، فارسی و فرانسه پرداخت و سپس به فکر افتاد تا نهال دانش را در دل و جان دختران ایرانی بکارد. او که با شرایط آن روزگار آشنایی داشت با تدبیری جدید شروع به کار نمود. در ابتدا به تأسیس کلاسهای اکابر برای بانوان اقدام نمود و سپس قرآن و تعالیم مذهبی و علم الحدیث را در دروس گنجاند و سالی یک بار در مدرسه مجالس روضه خوانی ترتیب داد و از اولیای شاگردان دعوت به عمل آورد و آیه‌هایی از قرآن کریم در جهت فراگیری علم و دانش به آنان گوشزد نمود. ۹

تهیه آموزگاران زن در آن عصر بسیار مشکل بود بنابراین وی ناچار بود از دوستان شوهر خود درخواست کند تا کتب مورد لزوم شاگردان را تهیه کنند و سپس خود به تعلیم آنان می پرداخت. بعد از مدتی از کمکهای بی دریغ سید جوادخان سرتیپ، میرزا حسن رشدیه، نصیرالدوله و ادیبالدوله برخوردار گردید. ۱۰

مدرسه ناموس بعدها به صورت یکی از مهمترین و مجهزترین مدارس متوسطه تهران درآمد. ۱۱ از فارغ‌التحصیلان این مدرسه می توان از بانو توران آزموده (خواهرزاده طوبی خانم)، بانو فخر عظیمی ارغون، بی بی خانم، گیلان خانم، فرخنده خانم و مهرانور سمیعی نام برد. ۱۲

مدرسه پرورش

در سال ۱۳۲۱ هـ ق طوبی رشدیه در قسمت مجزای خانه خود مدرسه دخترانه ای به نام پرورش دایر نمود. گرچه اقدام وی با استقبال مردم روبرو گردید و چند روز بعد از تأسیس ۱۷ تن شاگرد داشت، اما فراشان دولتی تابلوی او را با فحش و تهدید برداشتند و مدرسه را منحل کردند. ۱۳

تا این زمان مدارس که از سوی بانوان ایرانی تأسیس می گردید جنبه رسمی و دولتی نداشت و گرچه گاهی اوقات نمایندگان مجلس یا اعضای دولت از آنان به طور تلویحی حمایت می نمودند، اما هرگاه به عللی مخالفان قد علم کرده بر خلاف آنان گام بر

می داشتند، و هیچ قانون و مرجع رسمی نبود که با آنان مقابله نماید. به همین دلیل بانوان ایرانی دست به دامان مجلس شدند و تقاضایی بدین مضمون به مجلس ارسال داشتند

... بر خداوندان حل و عقد و مدیران رتق و فتق امور واجب است که در این هنگام درخت سعادت ابدی در باغ مراد ملت بنشانند و اساس ترقی و پیشرفت این مملکت را بر پایه استوار نهند و به ترتیب نسوان بپردازند ... در هزار سال پیش، دولت اسلام نخستین دولت متمدن روی زمین بود و مسلمین اولین ملت عالم و معلمین عالم از اهل ایران بودند. در اسلامبول که نسبت به سایر نقاط اروپا نشر علم اساس و تقدم داشت، به واسطه حکما و دانشمندان بخارایی علم و حکمت سرایت کرده و هنوز نام حکمای آن عهد را اروپاییان با احترام می‌برند. پس چه شد که آنها به علت علمی که از ما گرفته اند، پیش افتادند، سهل است که آن را تکمیل کرده اند و از آموزگاران خود درگذشتند و آنها را محتاج به خود کردند؟ آیا می توان گفت اهل ایران با هوش طبیعی و استعداد خداداد احتیاج نوع را به ترویج علم و صنعت احساس نکردند؟ نه بلکه به واسطه این بود که آنها زنهایشان را تربیت کردند... ملت ایران زودتر از ملت ژاپون با اروپا مراوده پیدا کرد، چرا مثل آنها ترقیات عصر جدید را فرا نگرفت؟... همه به واسطه این نکته است که زنه‌ای فرنگی به واسطه علم معنای هیأت اجتماعی را می‌فهمند ولی ... زنه‌ای مسلمان جز کینه‌ورزی با یکدیگر، تربیت کودکان به مقتضای سلیقه خود، چیز دیگر نمی‌دانند... وقتی که آموزگاران و مربیان اولیه اطفال را تربیت نکنند، جوانان، مردان و پیران با تدبیر نخواهیم داشت. ۱۴

از آنجایی که بالا بردن سطح فرهنگ جامعه از اهداف اصلی انقلاب مشروطه به حساب می‌آمد، در سال ۱۳۲۷ هـ.ق کلیه دبستانهای تهران دولتی شدند و رسماً تحت نظارت اداره فرهنگ قرار گرفتند و ۴۶ باب مدارس دخترانه و پسرانه تأسیس گردید.